

مورخ ۱۱ نوامبر ۱۹۱۱ در منزل

مبارک در پاریس : درباره تعلیم

وحدت عالم انسانی

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



مورخ ۱۱ نوامبر ۱۹۱۱ در منزل مبارک در پاریس :

درباره تعلیم وحدت عالم انسانی^۱

(خطابات جلد اول، ص. ۱۵۱-۱۵۵)

هُوالله

دیروز ذکر کردیم اول چیزی که برای انسان لازم تخری حقیقت است. در تخری حقیقت باید انسان آنچه را شنیده و از تقلید آباء و اجداد و یا اقتباس افکار است فراموش کند و جمیع ادیان روی زمین را

^۱ نطق مبارک ۲۰ ذی قعدة ۱۳۲۹ در منزل مبارک - پاریس ۱۱ نوامبر ۱۹۱۱



ORIGINAL



AUDIO

باید یکسان بدانند، نه بیکی تعلق و نه از دیگری تنفر داشته باشد، تا تواند تمیز دهد که کدام دین به حقیقت مقرون. چون تحری حقیقت کند، لابد به حقیقت پی برد.

و ثانی اساس الهی وحدت انسانیت، یعنی جمیع بشر بندگان خداوند اکبرند، خدا خالق کل است، خدا رازق کل است، خدا محیی کل است و خدا مهربان به کل. جمیع بشر انسانند، یعنی تاج انسانی زینت هر سری و خلعت موهبت زیور هر بری. کل بنده او هستند، به جمیع مهربان است، عنایت شامل کل است، تفریق نمی فرماید که این مؤمن است یا آن مؤمن نیست، راحم کل و رازق کل است. این صفت رحمانیت الهیه است. لهذا نمیتوانیم نفسی را بر نفسی ترجیح بدهیم، زیرا خاتمه مجهول. نهایت اینست که بعضی نفوس امثال اطفال ببلوغ نرسیده اند، باید آنها را تربیت نمائیم تا ببلوغ برسند، یا مریضند، باید معالجه کنیم تا شفا یابند؛ یا جاهلند، باید تعلیم کنیم تا دانا شوند. نباید آنها را بد بدانیم و نفرت از آنها داشته باشیم، بلکه باید به آنها مهربان تر باشیم به جهت اینکه اطفالند، مریضند، نادانند.

ملاحظه کنید در عالم وجود، الفت سبب وجود محبت سبب حیاست جدائی سبب ممت است. در جمیع کائنات نظر کنید. مثلا این چوب یا این سنگ عناصر ترکیب شده و یا اجزاء فردیه الفت پیدا کرده، امتزاج نموده تا اینکه این چوب وجود یافته، این حجر هستی جسته. اگر این الفت نبود در عدم بودند. در میان عناصر یا اجزاء فردیه الفت و ترکیب حاصل شده است که کائنات وجود یافته و چون این الفت بهم خورد این ترکیب تحلیل شود و متلاشی گردد. و همچنین اجزاء فردیه الفت یافته و امتزاج حاصل کرده و این عناصر ارتباط و اجتماع نموده تا انسان پیدا شده و چون این عناصر و این اجزاء تحلیل و تفریق یابد جسد انسان متلاشی گردد. پس معلوم شد که الفت و محبت سبب حیاست و نفرت و اختلاف و جدائی سبب ممت و در جمیع کائنات، الفت سبب حیاست و کلفت سبب موت. پس نوع بشر بندگان الهی باید الفت و محبت با همدیگر نمایند و از کلفت و بغض و عداوت نفرت کنند. ملاحظه نمائید حیوانات مبارکه در نهایت الفت اند، لکن حیوانات درنده مثل گرگ و پلنگ و کفتار در نهایت استیحا شبتنهائی زندگانی می نمایند. دو گرگ نزدیکی مغاره مأوی نمی کند، اما هزار گوسفند در یک جا اجتماع می نمایند دو باز و شاهین در یک آشیانه منزل نمی کنند لکن هزار کبوتر در یک لانه مأوی جویند. اینها حیوانات مبارکه هستند. پس الفت و محبت دلیل بر مبارکیست و کلفت دلیل بر درندگی.

باری مقصود اینست که حضرت بهاءالله اعلان وحدت عالم انسانی فرمود تا جمیع افراد بشر با هم برادر و خواهر و دختر و مادر و پسر و پدر باشند. امید چنان است که شما تعالیم بهاءالله را در خصوص وحدت عالم انسانی مجری میدارید. حضرت بهاءالله میفرماید اگر خدا نکرده شما دشمن داشته باشید، او

را دشمن نبینید، دوست ببینید. به دوست چگونه لازم است معامله کردن؟ به دشمن همان معامله را مجری دارید. این تأکید را بجهت این می فرماید تا اینکه الفت میان جمیع بشر حاصل شود. خدا شما را تأیید کند.

